- کارگران جهان متحد شوید! -

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)
hekmatist.com
حکمتیست هفتگی ۶۳۳
دوشنبه ها منتشر میشود
۲۷ اکتبر ۲۰۲۶ - ۶ آبان ۱۴۰۵

«اروپای یاغی» به پا خاسته است!

فواد عبداللهی

چرا اروپا به جوش آمده است؟ چه خواستهٔ هولناکی را پیش کشیده است که تمام جناح‌های راست، از میانه‌رو تا افراطی، چنین به وحشت افتاده‌اند و می‌خواهند هرچه زودتر از شرش خلاص شوند؟

خواسته‌هایش روشن‌اند؛ آن‌قدر روشن که در جهانی با این حجم از ثروت، دانش و امکانات، تحققشان نه رؤیایی دوردست، بلکه امکانی واقعی است:

- توزیع ثروت به سود اکثریت جامعه؛
- کاهش ساعات کار ر بهبود شرایط کار
- رایگان کردن بهداشت و درمان، آموزش، حمل‌ونقل و خدمات عمومی؛ پایان دادن به فرسایش امکاناتی که باید حق همگانی باشند، نه کالایی برای خریدوفروش.
- بازپس‌گرفتن زمان زندگی از مناسباتی که انسان را تا آخرین سال‌های توان جسمی‌اش به کار وامی‌دارند.
- تضمین مسکن شایسته، کنترل اجاره‌بها، گسترش مسکن اجتماعی و مبارزه با بی‌خانمانی و شرایط غیرانسانی سکونت.
- تقویت حمایت‌های اجتماعی و مبارزه با فقر؛ تأمین زندگی شایسته برای همه، نه فقط برای کسانی که مالک سرمایه‌اند.
- مبارزه با تبعیض، برابری زنان و مردان و دفاع از حقوق افراد دارای معلولیت.
- قرار دادن برنامه‌ریزی زیست‌محیطی در قلب سازمان‌دهی اقتصادی و اجتماعی؛ زیرا محیط زیست را نمی‌توان از مناسبات تولید، منطق سود و تخریب منابع زندگی جدا کرد.
- تدوین قانون اساسی جدید و بازسازی نهادهای سیاسی بر اساس دموکراسی شورایی، همه‌پرسی‌ها و حق شهروندان برای مداخلهٔ مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها.
- پاسخ‌گو کردن نمایندگان منتخب مردم و امکان عزل آنان هر وقت که مردم اراده کنند؛
- اولویت دادن به رفاه و صلح و امنیت؛ به‌جای جنگ‌افروزی، مداخله‌گری و قربانی‌کردن زندگی انسان‌ها در پای رقابت قدرت‌ها.

این‌ها خواسته‌های یک جامعهٔ انسانی‌اند؛ ... صفحه۲

بنادر جهان، سنگر مبارزه علیه جنگ و میلیتاریسم!

در دفاع از اعتصاب جهانی ۳۰ اکتبر و در همبستگی با مردم فلسطین

کارگران بنادر علیه جنگ دست از کار می‌کشند! ۳۰ اکتبر، روز جهانی اعتصاب و اعتراض علیه تجارت اسلحه، میلیتاریزه‌کردن بنادر و اقتصاد جنگی است. این روز، فراخوانی برای به میدان آمدن نیروی متحد طبقه کارگر علیه جنگ‌افروزی دولت‌ها، سودجویی شرکت‌های تسلیحاتی و تبدیل نیروی کار و امکانات جامعه به ابزار ماشین جنگی است. کارگران بنادر جهان در شرایطی با دستمزدهای ناچیز، ناامنی شغلی، شرایط طاقت‌فرسای کار و خطرات مداوم محیط کار روبه‌رو هستند که دولت‌ها، بنادر را به گذرگاه انتقال سلاح و تجهیزات جنگی و تأمین سودهای کلان تبدیل کرده‌اند. سرمایه برای سود بیشتر، امنیت و معیشت کارگران را قربانی می‌کند و دولت‌های جنگ‌طلب، منابع جامعه را به‌جای رفاه و زندگی مردم، صرف نظامی‌گری و کشتار می‌کنند. ... صفحه۲

ورق را برگردانیم!

مصطفی اسدپور

در بحث ایمنی محیط کار، دو پرسش را نباید یکی گرفت: مقررات چه تکلیفی برای پیشگیری از حادثه ایجاد می‌کنند، و کارگر چه امکان واقعی برای پیگیری ایمنی و مطالبه جبران خسارت دارد؟ این نوشته از فاصله میان این دو آغاز می‌کند. نقد گزارش ایلنا و جایگاه خانه کارگر نیز باید با همین معیار پیش برود: هر ادعا درباره حفاظت یا نمایندگی کارگران، با چه شاهدی درباره اختیار و پاسخ‌گویی همراه است؟

دعوا بر سر آفتابه مسی در جهنم دره امنیت محیط کار:
الم شنگه بر سر یک آیین نامه!

بلاتکلیفی قانونی حول چگونگی وجود ناظر فنی موضوع دعوای شدید از یک طرف دولت و از طرف دیگر خانه کارگر باید بدون تردید یک موضوع جدی و حیاتی برای محیط های کار در ایران محسوب شود. به جزئیات بیشتر دعوا خواهیم پرداخت. به این منظور باید شکل مچ گیری و افشاگری معمول را بتکانیم. ... صفحه۳

پروژه جمهوری اسلامی، تصرف سنگرهای نمادین ناسیونالیسم کرد

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

بنادر جهان...

ما هیچ فداکاری‌ای برای سود و جنگ قدرت‌های امپریالیستی نمی پذیریم!

اتحادیه‌های کارگران بنادر در سومین کنفرانس جهانی خود در ماه مه امسال در استانبول، بر سازمان‌دهی اقدامات سراسری علیه شرایط وخیم کار، ناامنی شغلی، دستمزدهای پایین و استفاده از بنادر برای حمل سلاح تأکید کردند. در این کنفرانس، مقابله با میلیتاریسم، مبارزه برای صلح و اعتراض به جنگ‌افروزی آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو، به‌ویژه در برابر تداوم کشتار و ویرانی در فلسطین، از محورهای اصلی اقدام مشترک کارگران قرار گرفت.

بر همین اساس، ۳۰ اکتبر به‌عنوان روز جهانی اعتصاب و سازمان‌دهی علیه تجارت اسلحه، میلیتاریزه‌کردن بنادر و اقتصاد جنگی اعلام شد؛ روزی که کارگران بنادر در حدود ۱۰۰ بندر در ده‌ها کشور، با شعار «بنادر برای صلح»، دست از کار می‌کشند تا اعلام کنند حاضر نیستند نیروی کارشان در خدمت جنگ و کشتار قرار گیرد یا شرایط ناامن و استثمارگرانه کار را بپذیرند.

در این روز، کارگران بنادر در فرانسه، یونان، اسپانیا، ترکیه، مراکش و ایتالیا و کشورهای دیگر برای اعتصاب و اعتراض سازمان می‌یابند. کارگران بنادر در هند، دیگر کشورهای آسیا و آمریکای لاتین پیشاپیش از این اعتصاب حمایت کرده‌اند و ظرفیت گسترش به یک اقدام هماهنگ جهانی را دارد.

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU) نیز با حمایت از این فراخوان اعلام کرده است که هیچ فداکاری‌ای را برای سود و جنگ قدرت‌های امپریالیستی نمی‌پذیرد و تأکید کرده است: «کارگران بنادر برای جنگ کار نمی‌کنند!»

اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری متعددی، از جمله کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (CGT)، اتحادیه کارگران بنادر و دریانوردی یونان (ENEDEP)، تشکل LAB در کشور باسک، اتحادیه لیمانش ترکیه، کنفدراسیون دموکراتیک کار مراکش (ODT) و اتحادیه پایه USB ایتالیا، از این حرکت حمایت کرده‌اند. همچنین نیروهای ضدجنگ و سازمان‌های مدافع مردم فلسطین، از جمله کاروان امدادی جهانی سومود (Sumud)، به این فراخوان پیوسته‌اند.

اعتصاب ۳۰ اکتبر صرفاً اعتراض به شرایط کار در بنادر نیست؛ این حرکت، مقابله‌ای طبقاتی با اقتصاد جنگی و تلاشی برای جلوگیری از به‌کارگیری نیروی کار در خدمت ماشین کشتار است. دفاع از مردم فلسطین نیز نباید به بیانیه‌ها و ابراز تأسف محدود بماند. همبستگی واقعی مستلزم اقدام عملی علیه تجارت اسلحه، جنگ‌افروزی و سیاست‌هایی است که زندگی میلیون‌ها انسان را قربانی منافع دولت‌ها و سرمایه‌داران می‌کنند.

بنادر نباید پایگاه تدارکاتی جنگ باشند؛ کارگران نباید نیروی کار خود را در خدمت کشتار قرار دهند!

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)، ضمن حمایت قاطع از فراخوان اعتصاب جهانی ۳۰ اکتبر، از همه کارگران، تشکل‌های کارگری، نیروهای آزادی‌خواه، مخالفان جنگ و مدافعان مردم فلسطین دعوت می‌کند در آکسیون‌ها، تجمع‌ها و اقدامات اعتراضی این روز شرکت کنند و صدای همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر را رساتر سازند.

نه به جنگ و میلیتاریسم! نه به تجارت اسلحه و اقتصاد جنگی! در دفاع از مردم فلسطین!

کارگران جهان متحد شوید! بنادر را از خدمت ماشین جنگی خارج کنید!

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۷ اکتبر ۲۰۲۶

*****



اروپای یاغی...

خواسته‌هایی که در جهان امروز، با این همه ثروت انباشته، پیشرفت علمی و توان تولیدی، تحقق آن‌ها از نظر مادی ممکن است. آنچه مانع است، کمبود ثروت و امکانات نیست؛ مناسباتی است که ثروت اجتماعی را در خدمت انباشت سرمایه قرار می‌دهد، نه رهایی انسان. مسئله این نیست که جامعه توان تأمین زندگی شایسته برای همگان را ندارد؛ مسئله این است که ثروت و توان جامعه در خدمت چه طبقه‌ای و چه هدفی قرار گرفته است. تا زمانی که منابع عظیم اجتماعی صرف جنگ، نظامی‌گری، پروژه‌های امپریالیستی و فربه‌ترشدن سرمایه و دولت‌های آن می‌شود، طبیعی است که برای مدرسه، بیمارستان، مسکن، بازنشستگی و زندگی آزادانهٔ انسان‌ها، همیشه ادعای کمبود امکانات داشته باشند. این همان منطق سرمایه است: وفور برای اقلیتی مفتخور که مالک است و محرومیت برای اکثریتی که تولید می‌کند.

اروپای یاغی، با همهٔ محدودیت‌ها و تناقضات خود، یادآور این حقیقت است که سیاست می‌تواند به‌جای مدیریت فقر و توجیه نابرابری، به میدان مبارزه برای تغییر مناسبات اجتماعی تبدیل شود. آرمان‌های برابری، همبستگی و رهایی که روزگاری در کمون پاریس به میدان آمدند، هنوز زنده‌اند؛ زیرا مناسباتی که انسان را زیر سلطهٔ سرمایه قرار می‌دهند، هنوز پابرجایند.

آرمان‌های کمون پاریس از زیر خاکستر زبانه می‌کشند: آیا تولید و ثروت جامعه باید در خدمت سود اقلیت حاکم باشد یا در خدمت آزادی و رفاه همگان؟ این پرسش همچنان در خیابان‌های اروپا و بویژه فرانسه طنین‌انداز است.

ورق را برگردانیم...

خواهیم دید که مساله عمیق تر نه وجود کمیته یا مامور ناظر بلکه ایمنی محیط کار اساسا به چگونگی امکان دخالت کارگران گره میخورد. اینجا نواقض طرفین دعوای جاری روشن تر خود را می نمایاند. پس هدف از این کشمکش چه برای دولت و کارفرمایان و چه برای چه میتواند باشد؟در بخش پایانی به اهمیت این مجادله با توجه به آمار و شواهد منتشر شده و مشخصات و ملزومات یک مبارزه بر سر امنیت محیط کار پرداخته میشود.

موضوع مجادله

« وقتی آیین‌نامه‌ای که مستقیم با جان و سلامت میلیون‌ها کارگر سر و کار دارد به دلیل یک نقص شکلی در مرجع تصویب باطل می‌شود، انتظار می‌رود دو وزارتخانه کار و بهداشت ظرف چند هفته یا حداکثر چند ماه، متن مصوبه را به صحن هیئت دولت ببرند و با اخذ امضای هیئت وزیران، خلأ قانونی را پر کنند. اما این مسیر ساده اداری از دی‌ماه ۱۳۹۸ تا شهریور ۱۴۰۵، بیش از شش سال طول کشید. در تمام این شش سال، کارگاه‌های زیر ۲۵ کارگر که به حکم قانون مشمول تشکیل «کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار» هم نبودند، از داشتن «مسئول ایمنی» نیز معاف شدند تا میلیون‌ها کارگر در کارگاه‌های کوچک، پروژه‌های ساختمانی و واحدهای خدماتی، در ناایمن‌ترین شرایط ممکن و بدون ناظر فنیِ درون‌کارگاهی کار کنند. « (ایلنا، «آیین نامه بکارگیری مسئول ایمنی و حفاظت فنی در کارگاه ها» مصوب چهار شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵، https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۸۵۳۰۲۵)

حالا گیرم که سوتی معاون آقای پزشکیان یک افتضاح کامل، غیر حرفه ای، تا خرخره مشمول همه قواعد ماست مالی اداری، گیرم کمی تا حدودی زیادی نخراشیده بوده باشد و گیریم که ایشان از سر حواس پرتی و از فرط خیال خوش، شنگول و در گلزار بخشنامه ها چند تیر و کمون هم روی در و دیوار عمارت پاستور به یادگار گذاشته باشند؛ آخر این همه قصیده و لنترانی انهم از زبان خاندان خانه کارگر چه لزومی داشت؟

صرف اعلام یک آرایش دیگر در رعایت امنیت محیط کار میتواند امتیاز خاصی در دست دولت حاضر ترجمه شود. مشکل مزمن و قدیمی در تمام سالهای مشخصا حکومت جمهوری اسلامی حذف هر گونه امکان نظارت و اجرای عملی پروتکل های امنیتی بوده است. اعمال کنترل واقعی میتواند فقط از طرف نمایندگان مستقیم کارگری واحد تولیدی مربوطه صورت بپذیرد. بلافاصله اجازه و امکان ترک کار کارگران و یا اعتصاب در صورت تشخیص نقایص فنی و خطرناک مطرح میشود. از همین زاویه دست کم گرفتن ایلنا در قالب یک خبر گزاری صرف خطا است. ایلنا نوک کوه یخ عظیم کنترل خبری دنیای کار ایران است. دنیای عظیم جهنم دره کار و زندگی کارگر در ایران را به حیاط خلوت ابراز وجود ایلنا تبدیل کرده است. خبرنگار و کارشناس خبرگزاری کار در ایران با آزادی انحصاری حضور و دسترسی به کارخانه ها، دسترسی به پرونده ها و ارگانها و مراجع رسمی به هیچ وجه به عنوان یک «مجرای مغتنم امید « یا بقولی «به از هیچ « نمیتواند به سادگی هضم شود. ایلنا بخش اساسی از دستگاه سانسور ضد کارگری در ایران است که وسط دعوای «آیین نامه ای « از قرار معلوم در طول ده سال شاهد یک وضعیت اسفناک در کمین نشسته و لفت و لعاب یک اسکاندال تمام عیار را فراهم آورده است.

«تلخ‌تر آنکه در جداول رسمی تامین اجتماعی نیز در بیش از ۲۸ هزار حادثه، «بی‌احتیاطی کارگر» به‌عنوان علت اصلی ثبت شده است» (https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۸۵۳۰۲۵))

این نقل‌قول از ثبت «بی‌احتیاطی کارگر» در بیش از ۲۸ هزار حادثه سخن می‌گوید. برای تفسیر آن، دوره آماری، تعریف این عنوان و شیوه بررسی علت حادثه اهمیت دارد. شمار حوادث نیز لزوماً شمار افراد یکتا نیست؛ بنابراین از این عبارت نمی‌توان مستقیماً وجود شبکه‌ای ۲۸ هزارنفری از آسیب‌دیدگان را نتیجه گرفت. پرسش قابل پیگیری این است که مسئولیت شرایط کار، تجهیزات، آموزش و نظارت در همین ثبت‌ها چگونه بررسی شده است.

اعلام آمار و ارقام در غیاب هرگونه تلاش برای تدقیق و پیگیری هر کیس معین یک روش معمول و مردود جدالهای اینترنتی بخصوص در زمینه مسایل کارگری است که بیش از هرکس دود آن به چشم طبقه کارگر میرود. آمارهای دیمی و استنتاجات دلبخواهی از هر طرف باید مورد مقابله قرار بگیرد. در مورد مشخص امنیت محیط کار مهمترین ضایعه آنجاست که به آسانی به میدان تحقیر و توهین به تشخیص و کرامت طبقه کارگر تبدیل میگردد.

«آفتابه مسی» و جنجال آنجاست که دولت و تمام عقبه کارفرمایی و خانه کارگری آن برای کارگر چاره ای جز تمکین به دستورات نمیگذارند. جنجال بر سر «مسئول ایمنی و تأیید صلاحیت‌شده» زیادی شلخته است. چرا باید تفاوت و برتری ایمنی حاصل از حضور مسئول ایمنی را آنهم با آن شرح حماسی متن خانه کارگر پذیرفت؟ طرفین دعوای امروز به خوبی واقفند که با یا بدون انواع کمیته ها و ناظرین ، با یا بدون قانون امنیت محیط کار، با یا بدون ناظرین وزارت کار در این جهنم دره همواره کارگران در محیطهای کار با خطر آشکار و ریسک خودکشی؛ تنها به حکم منطق کور اجبار معیشت تن به کار داده اند. کارگر در ایران از امکان و ابزار لازم برای مهار سودجویی کارفرما برخوردار نیست. در این مسیر حق اجتماع، حق اعتصاب و حق نمایندگی مستقیم کارگری و بعلاوه از برخورداری از دستمزد تعیین کننده است. علاوه بر کارفرما و دولت، خانه کارگر در صف دشمنان کارگر نقش مهم و اساسی را برعهده دارد. خیلی وقت است که آمادگی کارگران برای افسار زدن سوانح جاری محیط کار در ایران به یک ضرورت فوری و حیاتی رسیده است. سیکل معیوب از فقدان اعتراض با پشتوانه حق آزادانه اعتصاب از یک طرف و فقدان پشتوانه مالی برای مقابله با عواقب انتقامی کارفرما و مشخصا خطر اخراج و پرونده امنیتی پشت قوی ترین اتحاد کارگری را نیز شکسته است. فقر عمومی کارگران ناشی از دستمزدهای اسفناک و دشواری های متعدد در زمینه ایجاد صندوقها و تعاونی های کارگری تا کی میخواهد جان کارگران و امید و گامهای عملی پر ارزش آنها را به گروگان بگیرد؟

خانه کارگر دنبال چیست؟

هیچ وقت و هرگز یک تشکیلات کارگری از صف مستقل کارگران توسط دولت و ایادی آن به طبقه کارگر پیشکش نشده است. هیچ کس از رهبران و چهره های شناخته شده صفوف پیشروان طبقه دنبال چنین توهم خطرناک و واهی نیافتاده اند. باید از مجموعه تجربه و از میان انواع پیچ و خم ترکیب راهکار های مخفی و علنی راه به جلو باز کرد. در پرتو مجادلات مربوط به آیین نامه کذایی یک بار دیگر آشکار میشود که باید هر چه زودتر به نقش و دخالت خانه کارگر در کشمکش های آتی طبقه خاتمه داده شود. خانه کارگر کمتر یک تشکیلات عقیدتی و یا شریک آشکار دستگاه جاسوسی و سرکوب بلکه بیش از هر چیز به یک مغول و مافیای مالی و سیاسی در رقابت با شبکه های مشابه در طبقه حاکم شباهت دارد که برای تامین پول و نفوذ هر چه به تلکه از جیب و از توهمات دهها میلیون اعضای طبقه کارگر متکی است. در یک کلام وضعیت از این قرار است: اول؛ در وانفسای وخیم معیشتی ناشی از تلنبار انبوه فجایع چند ده ساله از سوانح محیط کار دولت را در پیش بینی دوره ای از اعتراض مردم کارگر خشمگین و جان به لب رسیده چه در مراکز کار و چه در مقابل اداره جات و خیابانها به تکاپو انداخته است؛

دوم: خانه کارگر در لباس شریک دولت در سر دواندن حاضر به یراق جهت آمادگی خدمات خود در میدان آزمایش است و همچنین بوی پول به مشام بنگاه داران اهل کسب و تجارت میرسد.... صفحه بعد

پروژه جمهوری اسلامی، تصرف سنگرهای نمادین ناسیونالیسم کرد

آنچه امروز در مریوان و بخش‌هایی از کردستان تحت عنوان «احیای میراث تاریخی» و «تکریم شخصیت‌های محلی» دنبال می‌شود، در واقع نه صرفا یک پروژه فرهنگی بلکه بخشی از یک پروژه سیاسی نقشه مند جمهوری اسلامی برای بازسازی هژمونی خود در کردستان است. مسئله بر سر نصب چند مجسمه یا نامگذاری چند خیابان به نام شخصیتها و چهره های «ملی» و تاریخی کردستان نیست؛ مسئله بر سر این است که جمهوری اسلامی میکوشد با تقویت و برجسته کردن بخش معینی از تاریخ، فرهنگ، نمادها و حافظه جمعی جامعه را در خدمت اهداف سیاسی خود سازمان دهد. پروژه ای سیاسی تحت عنوان احیا «هویت و فرهنگ» مردم کردستان!

اگر جمهوری اسلامی واقعاً نگران «هویت»، فرهنگ و جایگاه مردم کردستان است، چرا برای رفع تبعیض‌های واقعی و ساختاری علیه مردم کردستان اقدامی نمی‌کند؟ چرا مسئله برابری کامل شهروندان مستقل از محل تولد و هویتهای کاذب، رفع تبعیض سیاسی، پایان دادن به محرومیت‌های اقتصادی، تضمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و تأمین حقوق برابر همه شهروندان را در دستور کار قرار نمی‌گیرد؟ چرا به جای پاسخ به مطالبات واقعی مردم، یعنی رفاه، آزادی، برابری و امنیت، سراغ احیای چهره های منفور خوانین، رهبران عشایری و نمادهای ارتجاعی عهد عتیق و متعلق به نظم‌های کهنه می‌رود؟

پاسخ روشن است! هدف جمهوری اسلامی حل مسئله ستم ملی و تبعیض نیست، بلکه مدیریت و بازتولید آن در چهارچوب منافع سیاسی طبقاتی خود است.
جمهوری اسلامی در تلاش است که بخشی از نمادها، سمبل ها و چهره‌هایی که سال‌ها در انحصار ناسیونالیسم کرد قرار داشته‌اند، از چنگ آن خارج کرده و مستقیماً تحت کنترل خود درآورد. تلاشی که با تسخیر مراسمهای نوروزی و اعلام روز لباس کردی آغاز شد. جمهوری اسلامی به خوبی دریافته است که ناسیونالیسم کرد مشروعیت سیاسی خود، در حل ستم ملی و اپوزیسیون بودن، را با ارجاع به فرهنگ، زبان، شخصیت‌های ناسیونالیست، رهبران عشایری و نمادهای سنتی کسب کرده و می‌کند. جمهوری اسلامی با تلاش برای تصاحب این عرصه از طرفی تلاش میکند به جامعه پیام دهد که حکومت قادر است هر آنچه ناسیونالیسم کرد به عنوان مطالبه مردم کردستان مطرح می‌کند، از بالا و در چهارچوب نظام سیاسی خود متحقق کند. سیاستی که از طرفی ناسیونالیسم کرد را خلع سلاح خواهد کرد و ابتکار عمل را در میدان سیاست هویتی به جمهوری اسلامی خواهد سپرد و از طرف دیگر مردم کردستان را به سوی آشتی و صلح با خود سوق دهد. تقویت ناسیونالیسم کرد رسمی و حکومتی، جذب عناصر و چهره های ناسیونالیست کرد به خود، سیاست امروز جمهوری اسلامی در تقویت گرایش‌های ارتجاعی، مذهبی، عشیره‌ای و ناسیونالیستی نه فقط علیه نیروهای ناسیونالیسم کرد که اساسا علیه مردم کردستان و جنبش رادیکال، آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنان و سست کردن پیوند مبارزاتی مردم کردستان با سایر نقاط در ایران است.

تجربه چهار دهه گذشته نشان داده است که بزرگ‌ترین چالش جمهوری اسلامی در کردستان نه ناسیونالیسم، بلکه سنت قدرتمند مبارزه کارگری، آزادیخواهی، برابری‌طلبی، سکولاریسم و تشکل‌یابی اجتماعی بوده است. جنبش کارگری، جنبش معلمان، جنبش زنان، اعتراضات جوانان، سنت شوراها و نهادهای مردمی و مبارزات گسترده علیه تبعیض و نابرابری، همواره تهدیدی جدی و مخاطره آمیز برای جمهوری اسلامی بوده‌اند.

تلاش در تقویت افق و هویتهای ارتجاعی، از تقویت هویت مذهب و عشیره ای تا تقویت هویت قومی و ملی تا لانسه کردن چهره‌های سنتی و فئودالی در مقابل این افق رهایی‌بخش، بخشی از این تلاش و سیاست برای عاری کردن جامعه از هویت شهروندی، برابری انسانی و مبارزه طبقاتی و جایگزینی آن با تعلقات مذهبی، قومی، قبیله‌ای است.

از دید جمهوری اسلامی، کارگری که برای دستمزد و تشکل مستقل مبارزه می‌کند خطرناک‌تر از کسی است که گذشته عشیره‌ای را ستایش می‌کند. زنی که علیه تبعیض جنسیتی مبارزه می‌کند خطرناک‌تر از کسی است که به سنتهای ارتجاعی و مذهبی ضد زن پناه می‌برد. معلمی که خواستار آموزش برابر و آزادی اندیشه است خطرناک‌تر از کسی است که سرگرم اسطوره‌سازی از خوانین و رهبران سنتی است!
پروژه احیای خوانین و نمادهای فئودالی در کردستان را باید بخشی از تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی هژمونی سیاسی خود دانست؛ تلاشی که از یک سو می‌خواهد ابزارها و نمادهای سنتی ناسیونالیسم کرد را مصادره کند و از سوی دیگر جبهه‌ای از گرایش‌های ارتجاعی مذهبی، عشیره‌ای و ناسیونالیستی را در برابر جنبش آزادیخواهانه و برابری‌طلبانه مردم تقویت نماید.

در برابر این پروژه، دفاع از سنت مبارزاتی مردم انقلابی کردستان، دفاع از دستاوردهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مردم در تقابل با سنتها، گرایشات و نیروهای ارتجاعی، ضرورتی سیاسی است. سنتی که نه بر خان و شیخ و مالک و رهبر عشیره، بلکه بر مبارزه اجتماعی کارگران، زنان، معلمان، جوانان و همه انسان‌های آزادیخواه برای برابری و عدالت اجتماعی استوار است.

آینده کردستان را نه بازماندگان مناسبات فئودالی و نه مهندسان سیاسی جمهوری اسلامی، بلکه مبارزه آگاهانه کارگران و مردم آزادیخواه و برابری طلبی رقم خواهد زد! مبارزه ای که پرچم آن آزادی، برابری، رفاه، کرامت انسانی و برخورداری از حقوق برابر به عنوان انسان و شهروندان آزاد و برابر است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)
۵ آبان ۱۴۰۵- ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶

ورق را برگردانیم...

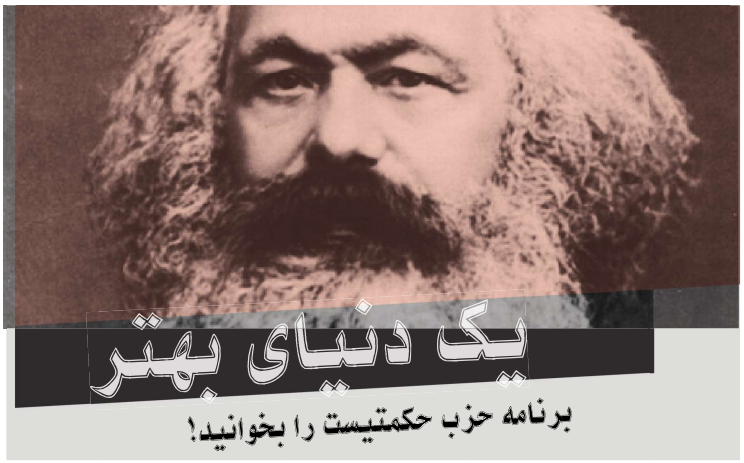
در مقابل باید گوشها و جیب کارگران را از بازار موعظه و آفتابه چرخانی ضد کارگری خانه کارگر محافظت کرد. سالها قرطاس بازی حول دستمزدها و اجلاس کذایی شورای عالی کار وعده چانه زنی بچه حاجی های مشت رند بس نبود نوبت جیب بری از قربانیان کارگران سوانح محیط کار رسیده است. در مقابله با جانوران دولتی و نیمه دولتی خانه کارگر راه مستقل و منافع مشترک کارگری را باید در پیش گرفت. جامعه کارگری ایران از کیفرخواست خود، از کرامت و احترام کارگری خود کوتاه نمی آید. راه حل فردی وجود ندارد. توهم به خانه کارگر هرگز نباید میدان پیدا کند. چشمان هزاران هزار کارگر در انتظار راه مو ثر و توام با کرامت کارگری به هر سو پر میکشد. شمار بسیار فعالین مستقل کارگری و فرزندان صدیق کارگری در انواع ابتکارات اینترنتی باید و می تواند راهی را که شایسته است در مقابل قرار دهد که هر کارگری با اطمینان به یکدیگر توصیه کنند. آیا نمی توان دست بکار شد؟ دست کارگران را بدست هم رساند؟ شبکه ۲۸۰۰۰ نفری از کارگران زخم دیده را به به تعداد هر چه بیشتری از کارگران شاکی و مدعی عضو خانواده کارگری تبدیل ساخت که در انواع ارتباطات یک کمپین بزرگ بین المللی را شکل دهند؟
در یک کلام دولت و خانه کارگر در «وا آیین نامه حفاظتی» خود کور خوانده اند. اعتراض کارگری باید حق خود در جبران خسارات ناشی از کار را از حلقوم دولت و کارفرما بیرون بکشد. هم افزایی متقابل خانه کارگر و دولت آنجاست که هر جا لازم شد زیر مسئولین حفاظتی بزنند و هر جا که لازم شد یک دوجین را به مصاف کارگر گسیل دارند. تیله مسئول با صلاحیت حفاظتی را بگذارید خود خانه کارگر به دنبال آن بگردد.

ورق را برگردانیم. حقیقت با ما است، ما از تبار کارگر یا با هم به پیروزی می رسیم یا هیچ کدام به تنهایی دستمان به چیزی بند نخواهد شد.

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزار های ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوایی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.





تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سردبیر: فواد عبداللهی

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena

hekmatist.com